

## حالت رقتبار زن در افغانستان (۱)

### نوشتۀ الیزابت بدن تیر

### نویسنده و فیلسوف معاصر فرانسه (۴)



الیزابت بدن تیر

حامد کرزی که برای ریاست جمهوری افغانستان کاندید غربی ها بود، آیا قانون مشکوکی را که ماه گذشته از طرف پارلمان این کشور در باره زنان تشیع تدوین گردیده و از طرف او توشیح شده بود، مانع انفاذ آن خواهد شد؟ با اینکه هنوز متن این قانون در جریده رسمی نشر نشده است، وکلای پارلمان افغانستان و تعدادی از مدافعین حقوق بشر در افغانستان طالب کمک شده اند. ماجرا از چه قرار است؟

فقط نافذ کردن مجدد قانون زمان طالبان (۲) است در باره زنان اهل تشیع افغان، که تقریباً ده تا پانزده فیصد نفوس این کشور را تشکیل میدهد.

- این قانون به صراحت برآمدن زن را از خانه و رفتن او را نزد داکتر غرض مشکلات صحتی بدون اجازه شوهر منع میکند.
- این قانون در حالت طلاق اولاد یا اولادها را از مادر می گیرد و به پدر یا پدرکلان می سپارد.
- این قانون به زن امر میکند در برابر خواست شوهر برای مقاربت جنسی (در هر حالت) تسلیم باشد. و بند اخیر به صراحت عمل تجاوز بر زن از طرف شوهر را مشروعیت می بخشد، که با شنندگان تاریک نظر اهل سنت کشور نیز آنرا به نظر خریداری می نگرند.

این وثیقه چیز دیگری نیست بجز مجاز دانستن و بازگشت افغانستان به سال های تاریک ترین تاریخ آن و بر خلافی با مواد قانون اساسی سال ۲۰۰۴ این کشور، و چیز دیگری نیست به جز یک معامله گری فرومایه سیاسی برای بازگشت احتمالی حامد کرزی به کرسی ریاست و پیروزی او در انتخابات ماه آگست آینده. بلی کرزی می خواهد آرای مردم هزاره افغانستان را به قیمت مشروعیت بخشیدن "برده گی" زنان به دست آرد: به این معنی که: "به من رای بدهید و در برابر آن بادار و مالک بلا منازعه زنان تان باشید".

حتماً کرزی خواهد گفت این رسم و رواج از سابق وجود داشت صرف در این متن آن رسوم و عنعنات مردم اهل تشیع مرتب گردیده است و حتی برای بهتر شدن آن سن ازداج دختران را از نه سالگی به سیزده سالگی بلند برده است. (۳)

با امضای این قانون آزادی کُش که از طرف امام محسنی تسوید شده است، کرزی نشان داد که از دل و جان طرفدار دفاع و حمایت از مردان است و حقوق زنان و احترام قانون اساسی برایش ارزشی ندارد!! بر علاوه این معامله گری منفور انتخاباتی سوال مهمتر دیگری مطرح میگردد و آن قدرت یافتن هسته های مذهبی بر قوانین مدنی است با نتایج نفرت انگیز و رقتبار آن بر زنان.

در جمهوریت ها و سلطنت های که خود را اسلامی می نامند و شریعت اسلامی در آنها مسلط است، زنان هیچگاه و ابداً حقوق مساوی با مردان ندارند و نخواهند داشت. مثل کشور مراکش که دولت آن سعی دارد حالت مدنی زنان را بهبود بخشد ولی احزاب پر قدرت مذهبی در برابر آن می ایستند و برنده آرا هم می شوند. این ثابت است که افراطیون مذهبی همه ادیان بلا استثنی مساویانه در برابر زنان احساس تنفر دارند و زن را برای معاشقه و مجامعت خوش دارند ولی لایق عشق ورزی و دوست داشتن اش نمی دانند.

دیموکراسی که غربی ها در این کشور ها آورده اند و می خواهند قدرت قانون مدنی بر دستورهای مذهبی فایق آید در حقیقت شوخی بیش نیست! اگر تعجب آورهم باشد باید گفت که صلح در جهان تنها به قیمتی بدست خواهد آمد که "لانیستی" یا (جدائی سیاست از دین) پنداشته می شود، و بدست آوردن آن برای تقویة حقوق زنان و حمایت دیموکراسی کاریست دشوار و صعب العبور!!

پس در این حالت مجاز نیست برای منحرف ساختن از استقامت "لانیستی" از رسوم و عنعنات مذهبی استمداد جست.

عناصر چپ غربی و ریلاتیویست های مغرض (relativistes) که برای پذیرفتن چادر و برقع زنان مجادله دارند و برای ثبوت این امر شعارهای ضد نژادی سر میدهند، باید بدانند که آنها با این کار شان در بازی افراتیون مذهبی می افتند و ناخود آگاه به فائده آنها عمل می کنند ، خاصاً در جهت تقویه طالبان افغان و پاکستانی.

از محو کردن زن در جامعه شروع می کنند ، و بعداً از چشم مردم پنهانش می کنند و سپس با جبر و به نام خدا و بنام پدر و شوهر مطیع اش می سازند.

در کتاب زیبایی خالد حسینی یک پدر راجع به آزادی ها و حقوق زنان در رژیم کمونیستی افغانستان بین سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۹۲ قصه میکند و میگوید: " آن وقت برای زنان یک زمان خوب بود. " ولی بعد از ربودن قدرت توسط مجاهدین ۱۹۹۲ - ۱۹۹۶ و سپس آمدن طالب ها زندگی زنان در این کشور را میتوان به یک دوزخ تشبیه نمود. مکاتب دختران بسته شد ، دروازه دفاتر برای کارکردن زنان مسدود گردید ، خندیدن در محضر عام ممنوع قرار داده شد. و وحشی ترین عمل جهان یعنی سنگ سار کردن دباره تجدید گردید.

آمدن غربی ها به خاک افغانستان مسلماً برای از بین بردن رسوم فرسوده و عنعنات پوسیده آخوند های گذشته چندان موثر نبود ولی در مناطقی که هستند ولو مناطق جزئی زنان حقوق ابتدائی خود را بدست آوردند. فکر میکنم کافی است که به همین سبب از کاندید شدن مجدد کرزی حمایت نشود. همچنانیکه از خروج قوای بین المللی از افغانستان و رهائی اش برای طالبان.

وزیر امور خارجه کانادا اخیراً متذکر شده است که غربی ها تنها برای دستگیری بن لادن به افغانستان نرفته اند بلکه برای حمایت از حقوق بشر در عموم و بلخاصه دفاع از حقوق زنان بدانجا رفته اند تا زنان این کشور وقت آنرا دریابند که سواد بیاموزند و تحصیل کنند و از زنجیر های خرافات نجات یابند.

حتماً باید مدت زیادی انتظار بکشیم تا نسل دیگری در افغانستان بوجود آید ، مصارف هنگفتی را متقبل شویم و مرگ عزیزان بیشماری را بگرییم تا این کشور بتواند در برابر وحشت و خرافاتن مقاومت کند. این یگانه راهی است که با آن می توان از حقوق بشر بلخاصه از حقوق زنان افغان دفاع نمائیم و نگذاریم که فاجعه ایکه پیش بینی می شود به حقیقت بپیوندد.

بسیاری امروز به این فکر اند که باید بیش از این ما در این کشور باقی نمایم و دستان خود را بالا کرده از آنجا خارج شویم. به یقین اینها کسانی اند که بصورت حتمی با حقوق زن و حمایت از آن بی تفاوت هستند و با آن سر و کاری ندارند.

وقت آنست که جمله معروف " وینستون چرچیل " را که بعد از عقب نشینی از معرکه میونیش (Munich) اظهار نمود به آنان گوشزد کنیم :

او گفته بود: " فکر می کنید با حفظ شرف صلح را نجات داده اید !! خیر!! شرف را باخته اید و جنگ با شماست!!"

\*\*\*\*\*

توضیحات از ولی احمد نوری :

- (۱) روزنامه لیبراسیون (Liberation) چاپ پاریس ۱۵ اپریل ۲۰۰۹
- (۲) این قانون مزخرف و غیر قابل پذیرش در زمان حکمروائی جمیعت اسلامی و شورای نظار از طرف تعدادی باصطلاح علمای دین تسوید شده بود و از طرف اداره پوشالی آنوقت نافذ ، از طرف ریاست جدید التاسیس امر بالمعروف و نهی از منکر عملی می شد که در وقت حکومت طالبان این ریاست به وزارت ارتقا یافت و بصورت جدی تر و شدیدتر عملی گردید.
- بلی این قانون آزادی کش در وقت ربانی در سی و چند ماده تسوید و تصویب شده بود که چند ماده ننگین و خجالت آور آن بیادند است
- یک : زنان باید در کنار دیوار راه بروند و صدای کفش هایشان شنیده نشود.
- دو : خنده بلند برای شان ممنوع قرار داده شده بود.
- سه : با مرد بیگانه و نامحرم اجازه حرف زدن را نداشتند.
- چار : اگر مجبور شوند برای کدام کار عاجل و فوری با کدام مرد نامحرم حرف بزنند باید حرف زدن شان با صدای بلند نباشد و ثانیاً باید بطرف مرد نگاه نکنند.
- پنج : مکاتب دختران را در این متن فاحشه خانمه ها خوانده بودند و انسداد همه را امر نموده بودند.

شش : پوشیدن لباس های غربی و چسپ که بلندی های وجود دیده شوند ممنوع گردیده بود. و ده ها ماده دیگر که هر کدام آن از دیگرش شرم آورتر بود.

اگر کدام خواننده پورتال افغان جرمن آنلاین متن مکمل این فتوا را داشته باشد لطفاً آنرا به پورتال بفرستد تا جهت آگهی مردم نشر گردد و به افتخارات منفی و شرم آور ربانی و مسعود بیفزاید.

(۳) در کشور های غربی که به حقوق زنان احترام قابل هستند ازدواج با یک طفل ۹ ساله را اجازه نمیدهند و تجاوز جنسی میدانند و مرتکب آنرا پیدوفیل (pédophile) می خوانند و این عمل را با اطفال خورد سال پیدوفیلی می گویند و مرتکب آن مستحق سنگین ترین جزا میباشد.

(۴) در پایان باید گفت وظیفه اخلاقی بر من حکم میکند تا از توجه خانم بدن تیر به حقوق هزاران سال پامال شده زنان مظلوم افغانستان و انتقاد وی نسبت به قانون خشونتباری که اخیراً علیه زن در کشورم از سوی دولت جنگسالار و در راس حامد کرزی تسوید گردیده، اظهار قدردانی نموده تا باشد که دیگر زنان و مردان آزاد اندیش و نوع دوست جهان نیز در این زمینه صدای شان را بلند کنند.